

## بازتاب شعر جاهلی در شعر خواجه کرمانی

دکتر تورج زینی وند<sup>۱</sup>

زینب منوچهری



تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۱۸

### چکیده

اقتباس از شعر جاهلی، محدود به پارسی سرایان قرن‌های چهارم و پنجم نمی‌شود، بلکه شاعران قرن‌های ششم و هفتم و بعد از آن نیز، با تغییر رویکرد، به بهره‌گیری از آن پرداخته‌اند. خواجه کرمانی، شاعر مشهور قرن هشتم، با دو رویکرد متفاوت به تأثیرپذیری از شعر جاهلی پرداخته‌است؛ اول اینکه وی در زمینه‌ی ایستادن و گریستن براطلال و دمن، خطاب به ساریان، وصف سفر، و به ویژه، بیان فراق و غم هجران در کوچ یاران، با رویکردی مادی و زمینی به اقتباس از شعر جاهلی پرداخته است. هر چند که نوآوری و آفرینش‌های تصویری - تخیلی او در ایجاد فضای شعر جاهلی در این زمینه غیر قابل انکار است. دوم اینکه وی در زمینه‌ی تشبیب و تغزل شعری با ذکر نام عروسان مشهور جاهلی، و در باده سرایی و خطاب به ساقی، با رویکردی عرفانی به تأثیرپذیری و نوآوری در این زمینه پرداخته است، او در این رویکرد، معانی مادی و زمینی این شعرها را به سوی نمادهای عرفانی و معنوی سوق داده، و تحوّل بنیادی در این زمینه ایجاد کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** شعر جاهلی، خواجه کرمانی، نمادپردازی عرفانی، ادبیات تطبیقی















































يَا صَاحِبِي قَفِّ بِالْمَطَايَا سَاعَةً      فِي دَارِ عِبَلَةَ سَائِلًا مَغْنَاهَا  
(عترة بن شداد، ۱۹۸۰: ۶۶)

«قنادیل راهب»؛ یعنی چراغ‌های راهب که «امرؤ القیس» نیز در معلقه‌ی خود «مصاییح راهب» را به همین معنا بکار برده است:

ز طرف براقع درخشان دورخ شان      چو در دیر هر قل قنادیل راهب  
(همان: ۸)

يُضِيءُ سَنَاهُ أَوْ مَصَابِيحُ رَاهِبٍ      أَمَالَ السَّلِيطَ بِالذُّبَالِ الْمُفْتَلِ  
(الشنقيطی، ۱۴۲۱: ۳۹)

«الأراک»: از واژه‌هایی است که در شعر جاهلی؛ و به معنای «درخت مسواک» بکار رفته است. این واژه در شعر خواجه بیان شده و میوه‌ی آن «ربرب» است که در معلقه‌ی «طرفه بن العبد» ذکر شده است:

مَرَرْنَا بِأَكْنَافِ نَجْدٍ وَبِتَنَا      بِوَادِ الْأَرَكَ لَعَلِّي أَرَكَ  
(خواجهی کرمانی، ۱۳۷۴: ۴۹۳)

خَذُولِ تُرَاعِي رَبْرَبًا بِخَمِيلَةٍ      تَنَاولُ أَطْرَافَ الْبَرِيرِ وَ تَرْتَدِي  
(الشنقيطی، ۱۴۲۱: ۵۰)

خواجه به زیبایی با واژه‌ی «اراک» جناس تام ایجاد کرده است که اولی؛ به معنای درخت مسواک و دیگری به معنای «تو را بینم» بکار رفته است.

### نتیجه

۱. بسامد کاربرد محتوا و واژگان شعر جاهلی دردیوان خواجه فراوان است. این موضوع اگرچه بیانگر نفوذ فرهنگی ادب عربی در جهان اسلام است، اما از سوی دیگر، بیانگر چیرگی و دانش خواجه در فرهنگ و ادب عربی است.









گونه‌هایم جاری شد.»

۲۹. «ترجمه: ای کسی که میل و اشتیاقم به سوی توست اندکی درنگ کن قبل از اینکه دامنم با اشک خیس شود، در حالی که این بهره‌ی شب من است.»

۳۰. «به خاطر زنان نازپرورده سینه چاک می‌کنیم و مرد را از خانه‌ی زنان زیبارو بیرون می‌کشیم.»

۳۱. «وزش بادها از جانب من به سوی خانه و منزل تو در سیر و حرکت هستند.»

۳۲. «ترجمه: ای یار من با مرکب‌ها ساعتی در خانه‌ی «عبله» درنگ کن تا از آن خانه‌ی ویران او بپرسم.»

۳۳. «آذرخشی که فروغ آن پرتو افشانی می‌کند همانند چراغهای راهبی می‌ماند که بر چراغ خود روغن می‌افزاید.»

۳۴. «از اطراف «نجد» گذشتیم و در وادی «اراک» شب را به صبح رساندیم به این امید که شاید تو را ببینم.»

۳۵. «ترجمه: آهوی بره رها کرده‌ای که با دیگر آهوان رمه در مرغزاری سرگرم چراست و کناره‌ی میوه‌های رسیده‌ی درخت «اراک» را می‌خورد و با برگهای آن خود را می‌پوشاند.»





